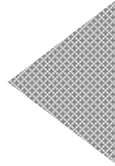


# سوادآموزی

## عنصر کلیدی توسعه پایدار



### اسماعیل برقی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت ۹۷/۹/۲ - تاریخ تصویب ۹۷/۱۱/۱۳)

### چکیده

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که آرایه آموزش‌های پایه و سواد، در افزایش توانمندی و سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی و بهره‌مندی از شاخص بهتر برای زندگی افراد جامعه، موثر است. پیشرفت و توسعه پایدار، مفهومی فراگیر و گسترده است که تمامی ابعاد و عوامل آن شامل توسعه انسانی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی در هم تنیده بوده و باید به صورت متناسب و متوازن برنامه‌ریزی و هدایت شوند. نیروی انسانی به عنوان اساسی‌ترین عامل توسعه محسوب می‌شود، بنابراین برای رسیدن به توسعه باید آموزش افراد را در اولویت قرار داد. آموزش و توانمندسازی از عناصر کلیدی توسعه و اساس یادگیری مادام‌العمر است و سرمایه‌گذاری در این حوزه، کلید فرایند توسعه محسوب می‌شود. سوادآموزی به عنوان فرصتی مناسب برای کسانی است که در زمان مقرر از آن محروم بوده‌اند، می‌تواند زمینه‌ساز رشد، پیشرفت و توسعه جامعه باشد. مطالعات مختلف نشان داده است که سوادآموزی علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی و فرهنگی، نقش مهم و موثری در کاهش مرگ و میر کودکان،

۱- دانشجوی دکتری تخصصی روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی

رشد کشاورزی، بهبود وضعیت روستاییان و کاهش مهاجرت به شهرها، بهبود محیط کسب و کار، مشارکت فعال تر مردم در مسایل اجتماعی و ارتقاء سلامت عمومی داشته و همه این عوامل، رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به همراه دارد. در این مقاله ضمن تبیین مفاهیم توسعه و پیشرفت، ابعاد آن تشریح شده و نقش آموزش و سواد در توسعه انسانی مورد بررسی قرار می گیرد و با ارایه نتایج مطالعات مختلف بین المللی و ملی، بر نقش موثر و اساسی سوادآموزی در توسعه پایدار تاکید شده و بر اساس این مطالعات، توصیه های عملی برای کشور عزیزمان ارایه می شود.

## واژگان کلیدی: توسعه، توسعه پایدار، ابعاد توسعه، سوادآموزی، آموزش بزرگسالان

### مقدمه

بر طبق آمار یونسکو در حدود ۷۷۵ میلیون بزرگسال فاقد حداقل مهارت های سواد در دنیا زندگی می کنند. این افراد از هرگونه آموزش محروم اند و در بی سوادی مطلق به سر می برند. دو سوم این عده را زنان تشکیل می دهند. از طرفی در حدود ۲۵۰ میلیون کودک و نوجوان به مدرسه نمی روند، یا بسیاری از آنان حضور نامنظمی در مدرسه دارند و یا مدرسه را رها کرده اند. با توجه به گزارش جهانی "آموزش برای همه" که اخیراً یونسکو منتشر کرده است، جنوب و غرب آسیا کمترین میزان سواد بزرگسالان را دارد و پس از آن کشورهای جنوب صحرائی آفریقا، و کشورهای عربی هستند. کشورهای با کمترین میزان سواد در جهان: بورکینافاسو (۱۲.۸٪)، نیجریه (۱۴.۴٪) و مالی (۱۹٪) هستند. این گزارش نشان می دهد که ارتباط روشنی میان بی سواد و فقر شدید در کشورها، و بین بی سواد و تبعیض علیه زنان وجود دارد. (یونسکو، ۲۰۱۶).

افراد بی سواد با اوضاع نامناسبی در جامعه خود رو به رو هستند، اغلب مورد تبعیض قرار می گیرند و با توجه به رشد فناوری، در زندگی اجتماعی با مشکلاتی رو به رو می شوند. این افراد دارای سطح اقتصادی پایین و میزان بیکاری در آنها بیشتر از افراد باسواد است. به طور وسیعی از فعالیت های مدنی و سیاسی کنار گذاشته می شوند و به طور کلی به دلیل بی سواد بودن، مشارکت کاملی در جامعه خود ندارند. مطالعات نشان می دهد که هرگاه افراد بی سواد

تشویق به سوادآموزی شوند، میزان فعالیت های اجتماعی آنان افزایش می یابد و نه تنها خود، بلکه افراد جامعه ای که در آن به سر می برند، نیز بهره مند می شوند.

سواد یک حق انسانی و پایه و اساس آموزش و یادگیری مادام العمر است. سواد زندگی افراد را تغییر می دهد. به توانمندی های افراد می افزاید، تا شانس بهتری برای زندگی داشته باشند. سوادآموزی به عنوان راهبردی اساسی در ارتقای سطح سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی نیز مطرح است. سوادآموزی در تقویت حس مسئولیت اجتماعی، قدرت تصمیم گیری و ابتکار، افزایش اعتماد به نفس نقش بسزایی دارد و افرادی که به دلیل محدودیت های موجود نتوانسته اند از نظام آموزشی کافی و به موقع استفاده کنند، از طریق سواد می توانند احساس کفایت، ارزشمندی و شایستگی را در خود تقویت کنند و در زندگی شخصی و اجتماعی موفق تر باشند.

سوادآموزی و آموزش بزرگسالان در تلاش های رشد و توسعه حایز اهمیت است. در دنیای کنونی که تأکید جامعه جهانی بر توسعه است، دستیابی به توسعه پایدار نیازمند برنامه ریزی در هر یک از سطوح سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی است. انسان به عنوان یکی از مؤلفه های توسعه پایدار در مرکز توجه است و نیاز به آموزش دارد و با توجه به اینکه آموزش نیز از مؤلفه های توسعه پایدار به شمار می رود، آموزش به طور عام و سوادآموزی و آموزش بزرگسالان به طور خاص، می تواند نقش مؤثری در توسعه پایدار داشته باشد. بی سوادی نیز به عنوان پدیده ای بین المللی، چالشی برای توسعه پایدار است. باید سوادآموزی به عنوان یک سیاست اساسی و راهبردی در اولویت برنامه های زمینه ساز توسعه کشورها و به ویژه کشورهای در حال توسعه قرار گیرد. گسترش و تعمیم آموزش عمومی و فراهم کردن امکانات سوادآموزی، یکی از وظایف دولت هاست که علاوه بر پاسخ گویی به نیازهای اجتماعی و فرهنگی، می تواند زمینه ساز رشد و پیشرفت جامعه شود و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را به دنبال داشته باشد. برای تبیین موضوع، توسعه، توسعه پایدار و ابعاد آن را مورد بررسی و موشکافی بیشتری قرار می دهیم.

**توسعه**

برای توسعه<sup>۱</sup> هم از نظر مفهوم آن، و هم با توجه به اهداف و ابعاد گسترده اش تعریف های متنوعی ارائه شده است و هر کسی کوشیده از زاویه یا زوایای خاصی به تعریف و تبیین آن بپردازد. از طرف دیگر مفهوم توسعه به هیچ عنوان مسئله ای سهل و ساده نیست. مسائل مختلفی که پایه و اساس این مفهوم را تشکیل می دهند، طی سال ها، بر اساس بحث های مفهومی همچنین با توجه به پیش های حاصل از کار تجربی، شفاف تر و آشکارتر شده اند.

در فرهنگ لغات، توسعه به معنای رشد تدریجی با توجه به پیشرفته تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ تر شدن است. توسعه، تغییر هدف دار برای حصول به هدفی خاص است و به مجموعه ای از تحولات فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می گویند که به رشد توانایی ها و ظرفیت های کلی یک جامعه در همه ی ابعاد منجر می شود.. توسعه حرکتی پویا و مستمر است، محرک اصلی در توسعه جامعه، دانش های نوین و ایده های تازه و نو است (موسایی و احمدزاده، ۱۳۸۸). توسعه، روندی خلاق و نوآور برای ایجاد تغییرات زیربنایی در سیستم اجتماعی است. به عبارت دیگر، توسعه، به معنای حرکت یک دست اجتماعی به سمت جلو و ارتقای مستمر کل جامعه و نظم اجتماعی به سوی زندگی بهتر و انسانی تر است و به عبارتی بهتر، تحولی تاریخی در جمع جنبه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه است.

"توسعه" به معنای بازسازی جامعه بر اساس اندیشه‌ها و بصیرت‌های تازه است. این اندیشه‌ها و بصیرت‌های تازه در دوران مدرن، شامل سه اندیشه علم‌باوری، انسان‌باوری و آینده‌باوری است. به همین منظور باید برای نیل به توسعه، سه اقدام اساسی درک و هضم اندیشه‌های جدید، تشریح و تفصیل این اندیشه‌ها، و ایجاد نهادهای جدید برای تحقق عملی این اندیشه‌ها صورت پذیرد (عظیمی، ۱۳۸۲).

برخی دیگر از صاحب نظران، نیز از طریق بیان شاخص ها و ملاک های توسعه، خواسته اند تعریفی از آن ارائه کنند. برخی از مهم ترین این شاخص ها و ملاک ها، عبارت اند از: درآمد سرانه و درآمد ملی بالا، توزیع نسبتاً عادلانه ثروت، بخش مهم و فعال صنعتی، رفاه اجتماعی و

ارائه خدمات، مصرف زیاد (مصرف فولاد، انرژی، کالاهای ضروری، رادیو و تلویزیون، مطبوعات، ماشین و...)، آموزش مناسب و پیشرفته، اشتغال، تعادل بین جمعیت و اقتصاد، حمل و نقل مناسب، امنیت فردی و اجتماعی، آزادی سیاسی، بهداشت، تغذیه کافی، برنامه های حمایتی، تولید انبوه (در زمینه های گوناگون)، صادرات متنوع و فراوان، امید به زندگی بالا، اشتغال زیاد در بخش صنایع، بازار فعال، تقسیم کار، همبستگی ملی، فرهنگ اقتصادی و کار و روحیه مشارکت در مردم. بر این مبنای توسعه، فرایندی است که تولید با استفاده از ابزارهای پیشرفته جدید، از وضعیت سنتی، به روش نوین متحول شده، انسان ها تخصص و مهارت لازم و فرهنگ مناسب با توسعه را کسب کرده اند و روند انباشت و به کارگیری سرمایه در جامعه، همراه با توسعه اقتصادی بر مبنای تولید بیشتر و پدید آمدن تحول در چگونگی تولید است. در این مفهوم، توسعه به معنای کاهش فقر، بیکاری، نابرابری، صنعتی شدن بیشتر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی است (ازکیا، ۱۳۸۸). توسعه به معنای کاهش فقر، بیکاری، نابرابری، صنعتی شدن بیشتر، ارتباطات بهتر، ایجاد نظم اجتماعی و فرهنگ است.

به طور کلی، توسعه جریانی است که در خود تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را دربردارد، شامل دگرگونی های اساسی در ساخت های نهادی، اجتماعی-اداری همچنین دیدگاه های عمومی مردم است. توسعه در بسیاری از موارد، حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز دربرمی گیرد.

توسعه فرایندی مشارکتی است که مردم در آن نقش مؤثری دارند. در جامعه ای که انرژی های نهفته در محیط به حداکثر مطلوبیت برسد، سطح توسعه یافتگی بالاتر است. جامعه ای پیشرفته است که انرژی های نهفته محیط خود را مهار کردن، از آن استفاده کند. به همین دلیل توسعه امری سازماندهی شده است؛ یعنی خود به خودی نیست و باید مدیریت شده، شروط لازم و کافی آن بیان شود و روابط میان عناصر آن را تنظیم و ترسیم کرد.

توسعه فرایندی شدنی و تحقق یافتنی است که مدار و محور آن انسان است و کشف و شکوفا کردن استعدادهای انسان ها هدف مهم آن است.

در فرایند توسعه باید کیفیت زندگی ارتقا پیدا کند. مثلاً احساس رضایت فرد از زندگی با همسر و فرزندان و محیط کار، در روستا یا شهر و کشور افزایش یابد. در فرایند توسعه به شادابی روانی و سلامت اجتماعی و سلامت جسمانی توجه می شود. سلامت اجتماعی یعنی انسان‌ها مسیر جامعه را برای تحقق اهدافشان هموار ببینند.

از تعاریف مزبور درباره توسعه، چند چیز روشن شده است:

نخست اینکه توسعه دارای عواملی است که مهم ترین آن‌ها عبارت‌اند از: رشد علمی، فرهنگی و سیاسی از راه ریشه کنی جهل و بی سواد، فقرزدایی و تولید ثروت، پیشرفت صنعتی و ابزار تولید، زدودن نابرابری‌ها و برقراری عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه، کار و کوشش مولد و مفید، همکاری و تعاون و مشارکت عمومی.

دوم اینکه توسعه دارای ابعاد گوناگونی است که می توان آنها را در پنج دسته کلی تقسیم بندی کرد: توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی، توسعه اجتماعی و توسعه زیست محیطی.

سوم اینکه توسعه علاوه بر چند بعدی بودن، به دست انسان و در نهایت برای انسان صورت می گیرد و اهداف توسعه، بهبود زندگی انسان و ارتقای کیفیت آن با توجه به آرمان‌ها و ارزش‌های مورد قبول آنهاست.

و چهارم اینکه توسعه جریانی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی، باورهای عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری‌ها و ریشه کن کردن فقر مطلق است.

### رشد، توسعه و پیشرفت

به رغم اینکه مفاهیمی مانند رشد، توسعه و پیشرفت باهم همسانی‌ها و هم پوشی‌هایی دارند، اگر با دقت نظر و به صورت علمی نگریسته شوند، تفاوت‌های عمیقی در مصادیق هر کدام با دیگری وجود دارد. حتی به گونه‌ای که در این نوشته خواهد آمد، میان مفهوم توسعه و توسعه پایدار نیز تمایز وجود دارد.

بزرگ ترین تفاوت میان رشد و توسعه آن است که توسعه امری چند بعدی است، در حالی که رشد، بیشتر گویا و متضمن پیشرفت تنها در یک حوزه است. برای مثال وقتی سخن از رشد

اقتصادی در میان باشد، منظور آن است که تنها پیشرفت هایی در بعد اقتصادی صورت گرفته است، همین طور رشد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. اما توسعه همان گونه که متذکر شد، به رشد چند بعدی و هماهنگ در چندین حوزه به ویژه در بخش های اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع اطلاق می شود. به بیان دیگر وقتی به صورت هماهنگ میان بخش های سیاست، فرهنگ، اجتماع و اقتصاد نوعی توازن به سمت پیشرفت وجود داشته باشد، توسعه نامیده می شود.

### توسعه پایدار

توسعه پایدار<sup>۱</sup> مفهومی است فراگیر با بار معنایی بسیار گسترده و همین ویژگی آن باعث شده است که گروه های مختلف اجتماعی با اهداف کاملاً متفاوت آن را به کار برند. امروزه تعریف توسعه که تا به حال صرفاً جنبه اقتصادی داشت تغییر کرده و به نوعی جامع نگری با ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی روی آورده است که هدف اصلی آن "توسعه انسانی پایدار" است. تحقق پایداری توسعه در مقیاس ملی و جهانی را باید در اذهان و اندیشه های نیروی انسانی جوامع جست و جو کرد و دستیابی به آن بدون سرمایه گذاری در امر آموزش نیروی انسانی، غیرممکن است. شاید باور این حقیقت که فرایند توسعه پایدار و تحقق همه ابعاد آن، همان تربیت نیروی انسانی است، که ریشه در آموزش دارد، هنوز برای بسیاری از کشورها مشکل باشد (رفیعی و لطفی، ۱۳۸۹).

مفهوم توسعه پایدار مفهومی آرمانی است که در هیچ جای جهان محقق نشده است و متأسفانه هنوز هم به وسیله سازمان های بین المللی مثل بانک جهانی در زمینه چشم انداز رشد و توسعه مورد استفاده قرار می گیرد و تلاش به منظور تحقق این مهم دغدغه ای جهانی است. از آنجایی که مؤلفه های عدیده ای در این امر تأثیرگذار است، دستیابی به توسعه پایدار نیازمند برنامه ریزی و سیاست گذاری های درست در هر یک از ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. از آنجا که انسان مهم ترین مؤلفه توسعه پایدار است، آموزش نیروی انسانی در مرکز توجه واقع است، به طوری که از مهم ترین شاخص های توسعه محسوب می شود. وقتی از توسعه پایدار صحبت می شود، منظور توسعه ای است که به بقای بشر و رفاه کامل و همه جانبه آن می نگرد.

توسعه پایدار با همه ی زنجیره ها، فرایندهای پویا، منابع انسانی، منابع طبیعی و نظام سخت افزاری جامعه در یک شکل تعاملی است و درصدد ایجاد تعامل بین حال و آینده، انسان و طبیعت و عدالت و رفاه بین و درون نسل هاست.

توسعه پایدار توسعه‌ای است که نیازهای اکنون جامعه را تأمین می‌کند بدون اینکه توانایی نسل‌های آتی را در برآوردن نیازهای خود به مخاطره اندازد. توسعه‌ی پایدار فرایند تغییر در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها اعم از سرمایه‌گذاری روی منابع انسانی از طریق آموزش یا سرمایه‌گذاری برای توسعه تجهیزات و فناوری، سمت‌گیری توسعه‌ی فناوری و تغییر نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد.

### عوامل پیشرفت و توسعه پایدار

توسعه پایدار نیازمند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های درست در هر یک از ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی است. از آنجا که انسان مهم‌ترین مؤلفه توسعه پایدار است، آموزش نیروی انسانی در مرکز توجه قرار دارد. به طوری که از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه، توسعه انسانی محسوب می‌شود.

### توسعه انسانی<sup>۱</sup>

سرمایه همیشه محور اصلی بخش‌های توسعه بوده است. اگر چه سالها تنها سرمایه مادی بود که عامل توسعه به شمار می‌رفت، با مشخص شدن نقش نیروی انسانی در توسعه، گونه‌ی دیگری از سرمایه یعنی سرمایه انسانی نیز به تدریج جای شایسته خود را در تحلیل‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه یافت. سرمایه به مفهوم سرمایه مادی و سرمایه انسانی از عوامل اصلی توسعه شناخته می‌شود و بسیج این هردو است که اهداف توسعه را تحقق می‌بخشد (ساخاروپولس و وودهاال، ۱۹۸۵).

با گذشت زمان در دهه‌ی ۱۹۹۰، مقوله‌ی توسعه وسعت جدیدی پیدا کرد. توجه به ابعاد انسانی توسعه، موجب شده است سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۰ شیوه‌ی جدیدی را برای اندازه‌گیری



سطح توسعه ارائه دهد که شاخص توسعه انسانی نام دارد. این شاخص به منظور اندازه‌گیری، توانمندسازی و گسترش دامنه‌ی انتخاب انسان محاسبه می‌شود. تحقق توسعه پایدار بیش از هر منبعی به انسان آموزش دیده وابسته است. انسانی که بتواند با تولید علم و دانش به عدالت اجتماعی و اقتصادی کمک کند و موجب بهبود زندگی بشر در حال و آینده و در سطح جهان شود.

توسعه انسانی مستلزم ایجاد محیطی است که مردم را قادر می‌سازد استعدادهای خود را به صورت کامل بارور کنند. بنابراین می‌توان گفت توسعه‌ی انسانی، گسترش انتخاب انسان‌هاست و اساس گسترش انتخاب‌ها، ایجاد دانایی و توانایی است.

شاخص توسعه انسانی از متغیرهای آموزشی، بهداشتی و اقتصادی تشکیل شده است. اهمیت آموزش به عنوان شاخص مهم در توسعه انسانی موجب شده است میزان باسوادی بزرگسالان (بر اساس دو سوم ارزش کل) و نیز میزان خام ثبت‌نام تحصیلی در دوره‌های آموزشی (ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و عالی) بر اساس یک سوم ارزش کل، مورد استفاده قرار گیرد. متغیر دیگر توسعه، امید به زندگی است که سطح سلامت و بهداشت افراد جامعه را نشان می‌دهد. بسط و گسترش استعدادهای و نیز انتخاب‌های انسانی در گرو عمر طولانی همراه با سلامت است. همواره شاخص درآمد پس از تنزیل در محاسبه‌ی شاخص توسعه‌ی انسانی به کار گرفته می‌شود. توسعه‌ی انسانی بر رشد ظرفیت‌های مادی در کنار پرورش استعدادهای ذهنی تأکید می‌کند اما، رشد اقتصادی را به عنوان ابزاری در خدمت زندگی بهتر انسانی به کار می‌گیرد (قلعه بانی، ۱۳۹۲).

توسعه انسانی به مفهوم تغییرات متوالی و پویا در آن دسته از شرایطی است که موجبات زندگی آزاد و رضایت بخش را برای افراد یک منطقه یا کشور فراهم می‌آورد. برای این نوع زندگی می‌توان ویژگی‌هایی چون کیفیت فیزیکی زندگی، دسترسی به مسائل امرار معاش، آزادی انتخاب، توسعه خودآتکایی و پیشرفت اجتماعی و سیاسی را در نظر گرفت.

توسعه انسانی یعنی پیشرفت همگام در ابعاد پنج گانه فوق و حاصل ترکیب عواملی چون سیاست‌های دولت، ساختار اجتماعی- اقتصادی جامعه، منابع طبیعی منطقه و تاریخچه فرهنگی است.

تأمین سرمایه انسانی، مستلزم انجام فعالیت های آموزشی است. بنابراین انجام هر گونه سرمایه گذاری آموزشی، سرمایه گذاری برای تأمین سرمایه انسانی تلقی می شود. بدون شک سرمایه گذاری های آموزشی، هم سبب ایجاد سرمایه های انسانی می شود و هم شرایط بهبود کیفیت این سرمایه ها را فراهم می آورد. از اینجاست که کشورهای جهان و به ویژه کشور های در حال توسعه مقادیر معتابھی از بودجه خویش را به سرمایه گذاری در آموزش اختصاص می دهند و نیز به همین دلیل است که وقتی دولت ها اقدام به سرمایه گذاری آموزشی نمی کنند، خود افراد مستقیماً اقدام می کنند، زیرا سرمایه گذاری های آموزشی هم از نظر جامعه وهم از نظر فرد بسیار سودآور است (محمدی، ۱۳۹۶).

### توسعه فرهنگی<sup>۱</sup>

یکی از ابعاد بسیار مهم توسعه ملی، توسعه و باروری فرهنگی حاکم بر جامعه است، چنان که پیش شرط هرگونه توسعه ای، توسعه فرهنگی است. توسعه بدون دستیابی به فرهنگ خاص آن امکان پذیر نیست. توسعه در همه ی ابعاد آن به شدت تحت تأثیر باورهای فرهنگی است. از این رو باید فرهنگ را محور همه برنامه های توسعه قرار داد (رفیعی و لطفی، ۱۳۸۹).

### توسعه اجتماعی<sup>۲</sup>

در مباحث توسعه، سرمایه، معنای گسترده ای دارد. سرمایه، فقط شامل مال و ثروت و پول و دارایی نمی شود، بلکه توانایی ها، استعدادها، علاقه مندی ها و حتی بینش فردی نیز جزو سرمایه های اوست؛ سرمایه هایی که برای یافتن آنها باید درکی عمیق و بینشی وسیع داشت. یکی از سرمایه های مهم هر جامعه ای که از مؤلفه های اساسی و مؤثر در توسعه و ثبات آن کشور محسوب می شود، سرمایه اجتماعی است؛ سرمایه ای که زیر بنای توسعه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی یک کشور است. اهمیت این سرمایه، به میزانی است که از آن به عنوان ثروت نامرئی یک کشور یاد می کنند و از رهگذر این سرمایه حیاتی است که انسجام، اعتماد متقابل و حسن اطمینان و همبستگی در جامعه فراهم می شود و هر گونه کاهش در آن، به کاهش

۱- Cultural development

۲- Social development

مشارکت های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان منجر خواهد شد همچنین رشد آسیب ها و جرایم اجتماعی، بی اعتمادی، یأس و ناامیدی و احساس محرومیت و بسیاری از ناهنجاری ها، نتیجه تقلیل سرمایه اجتماعی است.

### توسعه اقتصادی<sup>۱</sup>

توسعه اقتصادی به فرایندی اشاره می کند که هدفش رفاه جامعه از طریق افزایش تولید، استفاده بهینه از منابع طبیعی، بالا بردن سطح اشتغال و درآمد، توزیع عادلانه درآمد، مهیا کردن موقعیت بهتر مصرف کالا و خدمات است (رفیعی و لطفی، ۱۳۸۹).

### توسعه سیاسی<sup>۲</sup>

توسعه سیاسی، یعنی تغییر مردم از شکل اطاعت کنندگان صرف، به صورت افرادی که امور سیاسی جامعه برایشان دارای اهمیت است و نسبت به اصل برابری و پذیرش قوانین و حقوق جهانی حساسیت نشان می دهند. عناصر و مؤلفه های اصلی توسعه سیاسی شامل مردم، حکومت و جامعه می شود.

### توسعه زیست محیطی<sup>۳</sup>

برای رسیدن به توسعه ای پایدار، یعنی توسعه ای موزون و با حفظ ارزش های زیست محیطی باید به تحول فرهنگ زیستی جوامع اندیشید تا مردم تشکیل دهنده جوامع، منش خود را با پایداری و پویایی طبیعت تطبیق دهند. توسعه پایدار وقتی تحقق می یابد که اطلاعات زیست محیطی در میان مردم گسترش یابد و مشارکت مردم در حفظ و حراست آن، دو چندان شود. چون بدون حمایت مردمی، جهش به توسعه نیز مشکل آفرین خواهد بود (رفیعی و لطفی، ۱۳۸۹).

از آنجا که بین اقتصاد و محیط زیست ارتباط تنگاتنگ برقرار است، سیاست‌هایی که هدف آنها نیل به مقصود اجتماعی یا اقتصادی است، محیط زیست را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اگر علل تخریب محیط زیست، ریشه در کارکردهای اقتصادی باشد، بی شک راه حل نیز در همان

---

1- Industrial development

2- Political development

3- Environment development

جاست. حفظ محیط زیست و ذخیره منابع طبیعی به منزله شالوده و اساس تأمین سلامت و رفاه انسان‌هاست. بدین ترتیب آنجا که کیفیت آب پایین است، بدون تردید به بروز بیماری خواهد انجامید. بنابراین حل مشکلات زیست محیطی با ایجاد تعادل بین توسعه اقتصادی و اجتماعی و محیط زیست میسر خواهد بود (قلعه بانی، ۱۳۹۲).

## آموزش و توسعه<sup>۱</sup>

از آنجا که نیروی انسانی یکی از اساسی‌ترین عوامل مؤثر در توسعه هر کشوری است، تجهیز نیروی انسانی به مهارت‌ها و تخصص‌های روزافزون شغلی و حرفه‌ای به لحاظ ضرورت اساسی به منظور پیشرفت اقتصادی یکی از مهم‌ترین راه‌های رسیدن به اهداف توسعه موردنظر است. آموزش، فرایندی است که در جریان آن دانش، اطلاعات و میراث فرهنگی و سنن به فرد منتقل می‌شود. شخص در این فرایند خود را از نظر فکری برای زندگی اجتماعی آماده می‌کند. به عبارت دیگر محور اصلی آموزش، گسترش و تکامل معرفت، علم، اطلاعات و دانش انسان است. آموزش صرف نظر از اینکه کدام جنبه از توسعه مدنظر است، ریشه‌ی همه‌ی ابعاد توسعه است و موجب ارتقای کیفیت و بهبود مهارت‌های انسانی و استعداد‌های او می‌شود که این خود سبب توسعه‌ی انسانی می‌شود و روند پیشرفت و توسعه‌ی اقتصادی، سرمایه اجتماعی جامعه را تسریع می‌کند. به عبارت دیگر آموزش، مانند دیگر انواع سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، می‌تواند به توسعه اقتصادی کمک کند و همانند سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی نظیر حمل و نقل و ارتباطات، نیرو و آبیاری، درآمد گروه‌های فقیر را افزایش دهد (ساخاروپولس و وودهال، ۱۹۸۵).

در اوایل دهه ۱۹۶۰، آموزش به عنوان "حق اساسی بشر" شناخته می‌شد که بیشتر جنبه مصرفی داشت، اما ارزش آموزش به عنوان سرمایه‌گذاری که می‌تواند ظرفیت تولیدی آینده را افزایش دهد، به تدریج شناخته شد، به طوری که اکنون وقتی که اولویت‌ها برای تخصیص منابع تعیین می‌شود، هردو این اهداف مورد توجه است. در تعیین تعادل میان سرمایه‌گذاری در

"سرمایه انسانی" (به خصوص آموزش و کارآموزی) و سرمایه گذاری در سرمایه فیزیکی و زیربنایی، سیاست گذاری به دو مسئله مهم توجه می کنند:

- آیا آموزش به رشد اقتصادی کمک می کند؟
- در مقایسه با سرمایه گذاری های فیزیکی، کمک آموزش به توسعه اقتصادی چگونه است؟

مطالعات مختلف نشان داده که آموزش به طور مستقیم از طریق اصلاح مهارت ها و ظرفیت های تولید نیروی کار به رشد درآمد ملی کمک می کند (ساخاروپولس و وودهاال، ۱۹۸۵).

آموزش از منابع حیاتی توسعه است که به منظور توانمندسازی هر انسانی باید در دسترس او باشد. در زمان ما آموزش به عنوان مؤثرترین ابزار جوامع برای ورود به چالش های آینده مورد توافق قرار گرفته است و اصولاً پذیرفته شده است که در پرتو آموزش امروز، دنیای فردا شکل خواهد گرفت. درباره اهمیت آموزش و تربیت، هیچ تردیدی وجود ندارد و مفهوم آموزش به مهم ترین مشخصه جهان امروز تبدیل شده است. امروزه معیار اصلی منزلت کشورها و اقتدار آنها در عرصه نظام بین الملل میزان بهره مندی از دانش و آموزش است. سایر مؤلفه های توسعه پایدار نظیر صنعت، فناوری و دولت وابسته به توانمندی و ظرفیت علمی کشور است. به هر اندازه کشوری در بعد دانش و اندیشه، قوی و نیرومند باشد، در سایر بخش ها نیز از قدرت و توانایی بیشتری برخوردار خواهد بود. تحقق توسعه پایدار بیش از هر منبعی به انسان آموزش دیده وابسته است انسانی که بتواند با تولید علم و دانش به توسعه عدالت اجتماعی و اقتصادی کمک کند و موجب بهبود زندگی بشر در حال و آینده و در سطح جهان شود.

آموزش یکی از مهم ترین راههای کمک به توسعه اجتماعی شناخته شده است و نه تنها از حقوق اولیه و اصلی انسانی است، بلکه جزء اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی نیز هست و در صورتی که برنامه ریزی آن به شایستگی انجام شود، بازده اقتصادی زیادی به ویژه در کشورهای فقیر خواهد داشت (ساخاروپولس و وودهاال، ۱۹۸۵). هموار کردن راه آموزش برای همگان، در واقع هموار کردن مسیر رفاه و موفقیت برای فرد در سطح خرد و برای جامعه در سطح کلان است. موفقیت و رفاه نیز به رشد پایدار و همراه با صلح برای پیشرفت منجر می شود.

در توسعه پایدار نیز، مؤلفه آموزش جایگاه ویژه ای یافته است و در تحلیل ها و پژوهش های سال های اخیر، بسیاری از برنامه ها و راهبردهای توسعه، به خصوص برای قرن بیست و یکم به

گونه ای ریشه ای به توفیق در امر آموزش پیوند خورده است. پیشرفت، به گونه ای روزافزون به تولید ذهن های تعلیم یافته در عرصه های پژوهش، نوآوری و نظایر اینها بستگی خواهد داشت. بنابراین آموزش نه فقط در پژوهشکده ها و آزمایشگاه ها که در عرصه های زندگی حضوری فعال دارد و عاملی است که مردم را در جوامع مختلف هشیارتر، باسوادتر، آماده تر و مسئول تر می کند. از این رو حامل برترین آرمانهای بشری است و حیاتی ترین ابزار در مسیر نیل به توسعه پایدار تلقی می شود (رفیعی و لطفی، ۱۳۸۹).

آموزش، عنصر کلیدی برای تقویت توسعه پایدار و اساس یادگیری مادام العمر است. سرمایه گذاری برای آموزش، عاملی کلیدی در فرایند توسعه است (ساخاروپولس و وودهال، ۱۹۸۵). به عبارت دیگر، توسعه پایدار و همه جانبه، الزاماً باید از بستر نیروی انسانی بگذرد و پیش شرط توفیق، تثبیت و تداوم هرگونه توسعه و تحول، سرمایه گذاری در توسعه انسانی به منزله رکن و هسته اصلی و محوری آن است. صاحب نظران می گویند، آموزش پایدار به مفهوم وسیع، در دهه های آینده، این توانمندی را خواهد داشت تا به مثابه ابزاری قابل اعتماد، پل مستحکمی میان کلاس درس و اجتماع و نیز کلاس درس و بازار بنا کند.

آدام اسمیت اقتصاددان معروف کلاسیک، معتقد است آموزش افراد در واقع نوعی سرمایه گذاری برای آنان است. با آموزش، افراد توانا تر خواهند شد و رشد قابلیت های آنان سبب می شود که نه تنها خود به درآمد بیشتری نایل شوند، بلکه جامعه نیز از سرمایه گذاری بهره مند شود. به عقیده اسمیت، انسان ها با آموزش به سرمایه مبدل می شوند و جامعه می تواند از توان تولید آنان به صورت بهتری بهره مند شود.

تئودر شولتز که از مهم ترین اقتصاددانان معاصر است و به پدر نظریه سرمایه انسانی معروف است، نیز بر اهمیت و ضرورت توجه به سرمایه انسانی در تحلیل های اقتصادی تأکید فراوان دارد. بنابر عقیده شولتز توانایی های اکتسابی انسان ها مهم ترین منبع رشد بهره وری و توسعه اقتصادی سال های اخیر به حساب می آید و آموزش و پرورش به عنوان مهم ترین سرمایه گذاری در انسان، دارای مؤثرترین نقش در رشد و توسعه جوامع است.

جهان امروز دریافته است که آموزش افراد، نوعی سرمایه گذاری ملی است و هر کشوری که در این راه تلاش بیشتری کند، بدون شک در آینده از رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری برخوردار خواهد شد. سرمایه انسانی که از نتیجه آموزش حاصل می شود،

از مهم ترین منابع عوامل رشد و توسعه اقتصادی به شمار می آید. در این زمینه "هاریسون" اظهار می دارد انسان، پایه های اصلی ثروت ملت ها را تشکیل می دهد. سرمایه و منابع طبیعی، عوامل تبعی تولیدند در حالی که انسانها عوامل فعالی هستند که سرمایه ها را متراکم می کنند، از منابع طبیعی بهره مند می شوند، سازمان های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را متراکم می کنند و توسعه ملی را به پیش می برند. به وضوح کشوری که نتواند مهارت ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری بهره برداری کند، قادر نخواهد بود هیچ چیز دیگری را توسعه دهد. آموزش و پرورش، نیروی کار را قادر می سازد که از ماشین آلات، تجهیزات و فناوری پیشرفته، بهتر استفاده کند. سرمایه گذاری در آموزش و پرورش و تربیت نیروی انسانی نوعی سرمایه گذاری بلند مدت محسوب می شود، زیرا از آغاز سرمایه گذاری موقع بهره برداری از آن، زمان زیادی مورد نیاز است؛ اما سرمایه گذاری در امر آموزش و پرورش به ویژه برای جوامع در حال توسعه، بسیار سودآور است. در خصوص با جنبه های گوناگون و حساس هم نظیر فرهنگ، ظرفیت تولید، توزیع درآمد و رشد جمعیت می تواند نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی جوامع داشته باشد بر اثر آموزش و پرورش، افراد جامعه مهارت و تخصص خاصی کسب می کنند که این امر باعث ارتقا و بهبود ظرفیت تولید افراد و نیز سبب افزایش توانایی نیروی کار آنان می شود. به علاوه آموزش و پرورش باعث می شود درآمد افراد به دلیل مهارت ها و تخصص هایی که کسب کرده اند، در سطح بالاتری قرار گیرند و زندگی بهتری داشته باشند. بنابراین قابل درک است که آموزش و پرورش می تواند وسیله ای مناسب برای سیاست های توزیع مجدد درآمدها به کار رود، یعنی در حل مسائل و رفع مشکلات کمک کننده باشد که معمولاً یکی از مشکلات مهم جوامع در حال توسعه (توزیع ناعادلانه درآمدها)، در مسیر رشد و توسعه آنها مطرح است. همچنین آموزش و پرورش با ایجاد نظم فکری در افراد، سبب افزایش توانایی انتخاب بهتر، افزایش توانایی ابداع و نوآوری می شود. همچنین از لحاظ روانی، سبب تغییر نگرش به زندگی یا افزایش احساس لذت بردن بیشتر از زندگی خواهد شد (عمادزاده، به نقل از موسایی و احمدزاده، ۱۳۸۸).

رفیعی و لطفی (۱۳۸۹) در مطالعه ای موردی به بررسی تأثیر آموزش های شهروندی در تحقق و دستیابی به توسعه پایدار شهری در ابعاد مختلف آن (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست

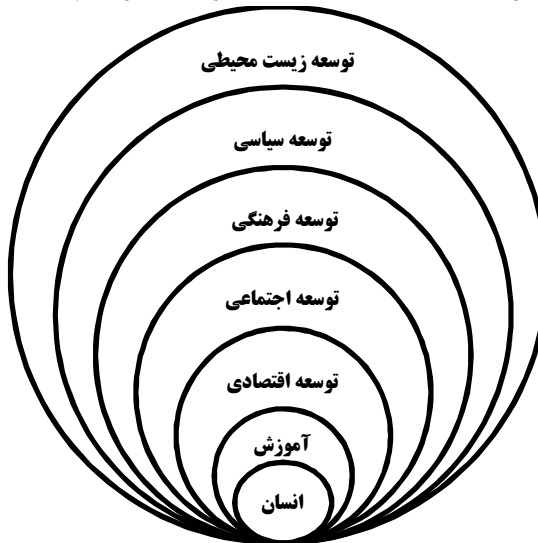
محیطی) پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که توسعه باید دقیقاً در مرکز برنامه های آموزش شهروندی قرار گیرد و به دلیل اینکه زیربنای توسعه شهری و به تبع آن توسعه ملی، توسعه در هریک از بخش های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی است، لذا برای رسیدن به توسعه در هر یک از این بخش ها، نیاز به آموزش، ضرورت دارد؛ و از آنجایی که انسان محور توسعه محسوب می شود، نیاز به آموزش برای انسان بیش از پیش ضروری به نظر می رسد.

اما در مورد این سؤال که آیا سرمایه گذاری در زمینه "انسان" سودمند تر است یا در "ماشین" نمی توان به سادگی پاسخ داد. بعضی از دیدگاه ها گواه بر این است که در کشورهای درحال توسعه متوسط میزان بازدهی سرمایه انسانی از میزان بازدهی سرمایه فیزیکی بالاتر است. درحالی که در کشورهای پیشرفته عکس این امر صادق است (ساخاروپولس و وودهال، ۱۹۸۵). از طرف دیگر هزینه های فرصت از دست رفته در سرمایه گذاری آموزشی، نیز موضوعی است که باید به آن توجه قرار کرد.

از آنجایی که منابع محدود است هنگامی که در زمینه ی سرمایه گذاری تصمیم هایی اتخاذ می شود، فرصت هایی چند از دست خواهد رفت. این فرصت های از دست رفته را می توان بخشی از هزینه سرمایه گذاری دانست که گفته می شود در برگیرنده هزینه های فرصت از دست رفته است. برای مثال، اگر منابعی در آموزش سرمایه گذاری شود، دیگر برای سرمایه گذاری در بهداشت، صنعت یا کشاورزی موجود نخواهد بود. وقتی تصمیم به ساختن مدرسه ی جدیدی گرفته می شود، باید توجه داشت که فرصت ساختن یک سد، یک جاده، یا یک کارخانه یا فراهم آوردن مراقبت های بهداشتی پایه از دست می رود (ساخاروپولس و وودهال، ۱۹۸۵). هزینه فرصت از دست رفته یک طرح شامل ارزش کلیه منابع در بهترین کاربرد بعدی آنهاست.



نمودار شماره (۱) - ارتباط میان آموزش و توسعه پایدار



منبع: رفیعی و لطفی، (۱۳۸۹)، مجله ارتباط علمی، آموزش و توسعه پایدار، دور دهم، شماره اول، دی ماه ۱۳۸۷  
(به نقل از نظرزاده ۱۳۸۷)

### سوادآموزی، آموزش بزرگسالان و توسعه

یکی از مسایل مهم اجتماعی که حکایت از پیشرفت جامعه دارد، مسئله سواد و سوادآموزی است، امروزه پیشرفت هر کشوری را با میزان باسوادان آن می‌سنجند. گسترش و تعمیم آموزش عمومی و فراهم کردن موجبات سوادآموزی، یکی از وظایف دولت‌هاست که علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند زمینه‌ساز رشد و پیشرفت جامعه باشد که توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را به دنبال دارد. اصولاً یکی از شاخص‌ها برای بررسی وضع توسعه یافتگی کشورها، توجه به آموزش و پرورش آن جامعه است. همچنین یکی از شاخص‌های ارزیابی میزان توسعه‌ی آموزش و پرورش، میزان اهمیتی است که کشورها به سوادآموزی و آموزش بزرگسالان می‌دهند، بنابراین آموزش بزرگسالان به عنوان بخش مهمی از نظام تعلیم و تربیت از اهمیت زیادی برخوردار است. امروزه همه کشورهای جهان به آموزش بزرگسالان به عنوان فرصتی برای توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌نگرند و بسیار زیادی از امکانات آموزش و پرورش عمومی خود را به آموزش بزرگسالان اختصاص می‌دهند.

آموزش بزرگسالان فعالیتی است سازمان یافته به منظور ایجاد جامعه ای در حال یادگیری از طریق انتقال دانش و مهارت روز آمد به بزرگسالان تا بتوانند در جهت تکامل و تعالی حرکت کنند و در سرنوشت جامعه خود از لحاظ اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مشارکت فعالانه داشته باشند (ابراهیم زاده، ۱۳۸۵).

آموزش بزرگسالان فعالیتی گسترده است که سوادآموزی بخشی از آن است. به همین منظور دفتر بین‌المللی تعلیم و تربیت در ژنو "IBE" برای آموزش بزرگسالان چنین تعریف هایی را ذکر کرده است: "آموزش بزرگسالان جانشین آموزش پایه برای کسانی است که آنرا از دست داده‌اند، و برای کسانی که از آموزش ابتدایی و حرفه‌ای بهره‌ی کافی نگرفته‌اند، مکمل آموزش مقدماتی یا حرفه‌ای است. برای اشخاصی که آموزش به آنان کمک می‌کند تا به تقاضاهای تازه محیط پاسخ گویند، آموزش بزرگسالان تمدید آموزش است. کسانی نیز که دارای تحصیلات بالاتری هستند، می‌توانند با بهره‌گیری از آموزش بزرگسالان بر معلومات خود بیفزایند. می‌توان گفت که آموزش بزرگسالان وسیله‌ی پیشرفت فردی برای همه است."

از نظر یونسکو آموزش بزرگسالان دلالت دارد بر "مجموعه فرایندهای آموزشی منظم با هر محتوا، سطح و روشی که باشد، خواه رسمی یا گونه‌ای دیگر، خواه این فرایندها آموزش مقدماتی در مدارس سطوح مختلف حتی در دانشگاه‌ها باشد یا دوره‌های کارآموزی را طولانی‌تر کند یا اینکه جایگزین آنها شود، به طوری که به کمک آن افرادی که از نظر جامعه بالغ تلقی می‌شوند بتوانند توانائی‌های خود را افزایش دهند، دانش خویش را غنی سازند، تخصص‌های فنی یا حرفه‌ای خود را کامل تر کنند یا اینکه توانایی‌ها و تخصص‌ها را در مسیر تازه به کار بندند و در دو جنبه رشد کامل فردی و مشارکت در رشد متعادل و مستقل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه تغییراتی در نگرش‌ها یا رفتارشان ایجاد شود" از نظر یونسکو سواد، توانایی تبیین، تغییر، خلق، ارتباط و محاسبه با استفاده از منابع خواندنی و نوشتنی است و سوادآموزی مجموعه‌ای است از زنجیره‌های یادگیری که فرد را در تحقق هدف هایش یاری رسانده، دامنه‌ی معلومات او را افزایش می‌دهد و زمینه ارتباط مؤثر او را در اجتماع فراهم می‌آورد، بنابراین برداشت یونسکو از سواد فراتر از مفهوم عام دارا بودن مجموعه‌ای از مهارت‌های خواندن، نوشتن و محاسبه کردن

است. یونسکو درباره ی سواد رویکرد کاربردی را مدنظر دارد که شامل توانمندی فردی در کاربرد داده‌های آموخته شده در پاسخ گویی به تحولات اجتماعی، اقتصادی و فناوری است. بررسی ها نشان می دهد، هیچ جامعه بی سوادى تاکنون به پیشرفت های مهم اقتصادی نایل نشده و هیچ جامعه باسوادى نیز از لحاظ اقتصادی عقب مانده نیست. کشورهایی که از درآمد سرانه بسیار بالایی برخوردارند اما فاقد نیروی انسانی متخصص و تحصیلکرده هستند، به پیشرفت واقعی اقتصادی نایل نشده اند. در حالی که کشورهایی مانند ژاپن و دانمارک با وجود آنکه منابع طبیعی ندارند با استفاده از نیروی متخصص و ماهر و با به کارگیری درست آن ها توانسته اند در مدت زمان کوتاهی به پیشرفت های اقتصادی شگرفی دست یابند و از سطح زندگی بالاتری برخوردار شوند (موسایی و احمدزاده، ۱۳۸۸).

بانک جهانی مطالعه ای ده ساله بر روی ۸۸ کشور در حال توسعه انجام داده و نتیجه گرفته است که اگر باسوادى از ۲۰ به ۳۰ درصد رسانده شود، رشد تولید ناخالص دو درصد افزایش خواهد داشت. همچنین چهار سال آموزش ابتدایی به کشاورزان، رشد کشاورزی را ۸ تا ۹ درصد افزایش داده است. به علاوه سوادآموزی به کاهش میزان مرگ و میر کودکان نیز منجر می شود (ساخاروپولس و وودهاال، ۱۹۸۵). مرگ و میر کودکانی که مادران بی سواد دارند دو برابر مادران باسواد است. این مسئله توجه به آموزش و سوادآموزی زنان را دو چندان می کند. سوادآموزی و رشد باسوادى نقش مؤثری در پیشرفت امور مربوط به روستاها و بهبود اوضاع روستاییان و در نتیجه کاهش مهاجرت آنان به شهرها دارد. از بعد عدالت اجتماعی نیز سوادآموزی توجیهی منطقی می یابد، چرا که آموزش سواد همیشه بخشی از آموزش محرومان است. در اعلامیه حقوق بشر، آموزش حقّ مسلم انسانها فرض شده است و هیچ کشوری نمی تواند به بی سوادى مردمانش بی توجه باشد. سواد و آموزش، دانش و مهارت‌هایی را برای زندگی بهتر ارائه می دهد و فرصت‌هایی را برای تقویت مهارت های حرفه ای و ایجاد شغل با درآمد بیشتر فراهم می کند. سوادآموزی عامل مهم توسعه انسانی و مبارزه با فقر و تبعیض است. از جنبه شخصی فرد را قادر می سازد تا ارتباط و تعامل مناسب و سازنده ای با دیگران، حتی با اعضای خانواده خود داشته باشد و طرز تفکر صحیح، سبک زندگی سالم و شیوه های تربیتی مناسب را برگزیند و در مسائل اجتماعی، مشارکت فعال تری داشته باشد. سواد و آموزش، استعداد های افراد را پرورش داده، باعث بهبود محیط کسب و کار می شود، همچنین از طریق

افزایش آگاهی عمومی در پیشگیری از بیماری‌ها و حفظ سلامت عمومی، استفاده بهینه از منابع، حفاظت از محیط زیست و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی مؤثر است.

تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند ارتباط بسیار زیادی میان کسب علم و موفقیت و حفظ سلامت در سوادآموزان وجود دارد (بالدری، ۲۰۱۴؛ ۲۰۱۵؛ کونتی و هکمان، ۲۰۱۰؛ روس و میروسکی، ۲۰۱۱؛ اسپان، ۲۰۱۴؛ مونتر و فریدمن، ۲۰۱۵). به عنوان نمونه آندرسون و واگهان (۲۰۱۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که در ایالات متحده ارتباط مثبتی بین سلامت و تحصیلات افراد بالغ به ویژه برای کسانی که از دوران کودکی از تحصیل محروم بوده‌اند، وجود دارد. حتی سطوح بالای آموزش و کسب علم در سوادآموزان از شدت یا نشانه‌های افسردگی می‌کاهد. به طور کلی در سراسر جهان، افرادی که سطح بالاتری از تحصیلات دارند، از سلامت بهتری برخوردار هستند تا افرادی که سطح تحصیلات پایین‌تری دارند، این افراد درصدد حفظ سلامت و دوری از بیماری‌ها و افسردگی همچنین افزایش طول عمر با زندگی صحیح و اصولی هستند (محمدی، ۱۳۹۶). گزارش پایش جهانی آموزش برای همه که در سال ۲۰۱۴ منتشر شده است، نشان می‌دهد، آموزش و سوادآموزی، حتی در حد دوره ابتدایی، فقر را کاهش می‌دهد، بهداشت و سلامت را تضمین می‌کند و مشارکت افراد را در توسعه جامعه افزایش داده، دموکراسی را تقویت می‌کند (باقرزاده، ۱۳۹۵).

براساس یافته‌های ویلر (۱۹۸۰) به طور متوسط افزایش به میزان ۲۰ تا ۳۰ درصد در میزان سوادآموزی سبب می‌شود تا محصول ناخالص داخلی بین ۸ تا ۱۶ درصد افزایش یابد. به طور کلی کارکردهای سوادآموزی در جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی زمینه بروز و ظهور دارد. بر این اساس در بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اروپا آموزش بزرگسالان با کیفیت بالا به صورت هدفی مهم و تصمیمی قابل توجه است. در واقع یادگیری و آموزش بزرگسالان به شیوه‌های مختلف آموزشی صورت می‌گیرد. همچنین به منظور بهینه‌سازی آموزش و یادگیری‌ها از روش‌ها و فنون مختلفی همچون روش مقابله با اضطراب و نگرانی، کسب مهارت‌های یادگیری، حمایت خانواده‌ها استفاده می‌شود (پوزدنیکوا و پوزدنیکوا، ۲۰۱۷ به نقل از محمدی، ۱۳۹۶).

## نتیجه گیری و ارایه توصیه های عملی

عامل انسانی مهم ترین عامل در فرایند توسعه و تحول یک ملت است، نیروی اصلی پیش برنده توسعه، مردم هستند. توسعه فرایندی است و نیاز به برنامه دارد. از سویی اجرایی شدن این برنامه در هر کشوری به مشارکت مردم نیاز ندارد. مشارکت مردم هم مستلزم آمادگی درونی، همراهی فکری و همکاری رفتاری آنان است و در نهایت این آمادگی، همراهی و همکاری جزاز طریق آموزش و تربیت میسر نمی شود، از همین رو توسعه یافتگی با عقب ماندگی یک کشور مستقیماً به باور و نگرش یک ملت مربوط است. از سویی نهاد آموزشی، اساساً نهادهای نگرش ساز است و می تواند ملتی را به جریان توسعه یافتگی نزدیک یا دور کند. پس به موازات اینکه از توسعه ی انسانی سخن می گوئیم باید به تغییر، اصلاح، بهبود و با سازگاری باورها و نگرش های یک جامعه نیز برای تسریع فرایند توسعه ی انسانی بیندیشیم. امروزه نیروی انسانی، به ویژه نیروی انسانی متخصص و ماهر سرمایه ی ملی تلقی می شود که قدرت بازتولید دارد، و در هر کشوری که نظام تجهیز و بهسازی نیروی انسانی و حفظ و نگهداری آن به شکل جامع و پویا عمل کند و شکوفایی استعدادهای نیروی انسانی را و وجهه همت خود قرار دهد و نظام تأمین نیازمندی های مادی و معنوی افراد، از کارایی مطلوبی برخوردار باشد، رشد و توسعه اقتصادی در آن بروز خواهد کرد.

توسعه وقتی تحقق می یابد که نیروی انسانی به طور رسمی و قانونی به اشتغال دسترسی پیدا کند و در آن سهم داشته باشد. بُعد انسانی توسعه در این خلاصه نمی شود که برای انسان حق بهره مندی از نتایج توسعه را قایل باشیم؛ این انسان ها هستند که با فعالیت ها و حرکت های گسترده ی خویش و با تلاش طاقت فرسا، جامعه خویش را در مسیر توسعه اقتصادی-اجتماعی به پیش می برند، انسان ها به جای اینکه در حاشیه ی توسعه و به مثابه ابزار و وسیله های آن قرار گیرند، هدف و موضوع اصلی توسعه خواهند بود و به صورت واقعیت زنده تلقی خواهند شد. توسعه را قبل از اینکه مسئله ای اقتصادی یا فناوری بدانیم، باید مسئله ای انسانی تلقی کنیم. برای توسعه ی جامعه، وجود نیروهای شایسته و برنامه ریز، دانشمند و محقق و مدیران لایق و نیروهای فنی از امور اساسی است. تربیت چنین انسان هایی با برنامه ریزی درازمدت و دقیق بخش آموزشی امکان پذیر است. وظیفه ی اساسی آموزش عبارت از انسان سازی و تأمین ابزار و وسایل لازم برای نسل های آینده است. برای افرادی که به هردلیلی از

آموزش های رسمی در زمان مقرر بهره مند نبوده اند، باید آموزش بزرگسالان و سوادآموزی را فراهم کرد. رسالت بخش آموزش عبارت است از انسان سازی و تأمین ابزار و وسایل لازم برای نسل های آینده که برای نیل به این مقصود به محتوای آموزشی، اجتماعی و فنی نیاز دارد. بنابراین توصیه های عملی مبتنی بر پویش های جهانی برای سوادآموزی، معاهدات و بیانیه های بین المللی و بررسی های انجام شده برای کشور عزیزمان به شرح زیر ارائه می شود:

توصیه های ارائه شده در این بخش، برگرفته از درس های آموخته شده از سراسر جهان و در نظر گرفتن پیچیدگی کار سوادآموزی است و سیاست گذاران را در رسیدن به اهداف برنامه های سوادآموزی و پرداختن به چالش های سوادآموزی از چشم انداز آموزش بزرگسالان کمک خواهد کرد. این کار مستلزم گره زدن سوادآموزی به تغییرات و بسیج اجتماعی، تضمین سرمایه گذاری کافی، تلفیق سوادآموزی در نظام آموزشی جامع، استفاده نظام مند از فناوری اطلاعات و بهبود کیفیت داده های سوادآموزی است.

در توصیه های عملی برای موفقیت برنامه های سوادآموزی، مشارکت همه عوامل دخیل در موضوع همیشه مورد تاکید بوده است. درک این موضوع که سوادآموزی یک فرآیند ادامه دار است و در تمامی سنین و نسل ها به وقوع می پیوندد و جای دادن و یا ترکیب مهارت سوادآموزی با توسعه سایر مهارت ها و تلفیق آن با دیگر برنامه ها و فعالیت های توسعه ای اجتماع و همچنین حصول اطمینان و تضمین این موضوع که سوادآموزی بخشی از نظام آموزشی ملی بوده و در راهبرد های توسعه ای جامع دیده شده است، به عنوان توصیه های اساسی مطرح است. سوادآموزی باید در دستور کار ملی قرار گرفته و به ایجاد یک فضای اجتماعی تقویت کننده انگیزه و مشارکت کمک کند، تا از این طریق باعث افزایش ماندگاری فراگیران در دوره های سوادآموزی شود. ظرفیت های بالقوه قدرتمندی در بسیج متولیان متنوع برای مشارکت و تقویت تعهد برای همکاری و تشریک مساعی در تلاش های ملی سوادآموزی وجود دارد، مثلا اگر معلمان و دانش آموزان نظام آموزش رسمی به عنوان نیروهای داوطلب در برنامه بسیج شوند، منافع و اثرات آن می تواند دو جانبه باشد و نه تنها آموزش غیر رسمی، بلکه به تقویت نظام آموزش رسمی نیز منجر شود.

باید تصدی گری دولت در آموزش بزرگسالان را بر اساس شرایط خاص، ساختار حاکم و قانون اساسی ارتقا داده و آموزش شامل تقویت و یا ایجاد ساختارهای همکاری و فرآیندهای مشارکتی

مانند مشارکت متولیان در سطح بومی، منطقه ای و ملی باشد. ایجاد یک رویکرد بین بخشی در اتخاذ سیاست برای برنامه ریزی و سرمایه گذاری از طریق تقویت همکاری و هماهنگی میان وزارت خانه های مرتبط و درگیر در آموزش مانند وزارت بهداشت، کار و رفاه اجتماعی، صنعت و کشاورزی همچنین جامعه مدنی، بخش خصوصی و شرکای دو جانبه و چند جانبه و پشتیبانی از رویکرد تمرکز زدایی، در عمل نقش تعیین کننده دارد (باقرزاده و حسن نژاد، ۱۳۹۵). باید از اینکه برنامه های آموزش سواد بر اساس مکانیزم های ملی از کیفیت بالایی برخوردار بوده و جوابگوی نیاز های مخاطبان است و همچنین آموزش ها مبتنی بر دانش قبلی فراگیران بنا گذاشته شده اطمینان حاصل کرد. این امر مستلزم پرداختن به فرهنگ، زبان، مسایل اجتماعی و فعالیت های اقتصادی با تاکید ویژه بر گروه های آسیب پذیر است. این برنامه ها باید ارتباط و یکپارچگی زیادی با توسعه مهارت ها برای بدست آوردن کار متناسب و معیشت به عنوان اجزای کلیدی آموزش مادام العمر باشد. و در نهایت، به منظور تضمین اثربخشی سیاست گذاری و اجرای اثر بخش برنامه ها باید به وسیله ی پایش های دوره ای و ارزشیابی آموزش بزرگسالان و سوادآموزی، نسبت به ایجاد سازوکار ها یا ساختار هایی که از معیار های کیفی و استاندارد های متناسب برای بررسی دوره ای اهداف و برنامه های استفاده می کند، اقدام کرد.

## منابع

- ابراهیم زاده، عیسی (1385) "آموزش بزرگسالان"، دانشگاه پیام نور
- ابراهیم زاده، عیسی؛ محمد داودی، امیرحسین (۱۳۸۸) "بررسی مولفه های اصلی آموزش بزرگسالان به منظور ارائه مدل مناسب در کشور" فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سال سوم، شماره 4، زمستان 88
- ارائی، سید محمد مهدی و همکاران (۱۳۸۴) "آرمان ها و اهداف توسعه هزاره (تعاریف، دلایل، مفاهیم، منابع)"، گروه توسعه سازمان ملل متحد
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۸) "جامعه شناسی توسعه"، انتشارات کیهان، چاپ هشتم
- باقرزاده، علی؛ حسن نژاد، مصطفی (۱۳۹۵) "مروری بر پویا ها و برنامه های سوادآموزی سال ها ی 2000 تا 2015" سازمان نهضت سوادآموزی
- باقرزاده، (۱۳۹۵) "سوادآموزی نیاز توسعه پایدار"، سایت وزارت آموزش و پرورش به نشانی [www.medu.ir](http://www.medu.ir)
- برقی، اسماعیل (۱۳۹۶) "سوادآموزی، فرصتی برای عدالت و توسعه پایدار"، سایت سازمان نهضت سوادآموزی به نشانی [www.lmoiran.ir](http://www.lmoiran.ir)

- تودارو مایکل، (۱۳۶۷)، "توسعه اقتصادی در جهان سوم" ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: سازمان برنامه و بودجه
- دهقانی، مرضیه؛ محمدعلیخانی، علی اکبر (۱۳۹۳) "نقش آموزش بزرگسالان در توسعه فرهنگی جامعه" **نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان شناسی**، تهران
- رفیعی، کامبیز، لطفی، حیدر (۱۳۸۹) "آموزش شهروندی و نقش آن در تحقق و دستیابی به توسعه پایدار شهری، مطالعه موردی: منطقه ۵ شهر تهران" **فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی**، سال دوم، شماره چهارم
- ساخاروپولس و وودهاال، (۱۹۸۵). "آموزش برای توسعه"، ترجمه پریدخت وحیدی و حمید سهرابی (۱۳۷۰)، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران،
- صباغیان، زهرا (۱۳۷۱)، "شناخت بزرگسال و روشهای سوادآموزی"، دفتر تحقیق و تالیف سازمان نهضت سوادآموزی، تهران
- پژوهشکده تعلیم و تربیت (۱۳۸۲) "نقش آموزش و پرورش در توسعه از دیدگاه زنده یاد دکتر حسین عظیمی"، پژوهشکده تعلیم و تربیت، بهار ۱۳۸۲
- قلعه بانی، ربابه (۱۳۹۲) "نقش آموزش (بالا بردن دانش نیروی انسانی) در توسعه پایدار" مقاله استخراج شده از پایان نامه ی کارشناسی ارشد باموضوع "بررسی میزان اثربخشی دوره‌های آموزش حین کار در صنعت خودرو برگزار شده توسط شرکت خدمات علمی صنعتی تهران از دیدگاه کافرمایان و شرکت کنندگان "
- کاشانی، مجید؛ رستم پور، مجید (۱۳۹۲) "آموزش و پرورش، حیاتی ترین ابزاردر مسیر توسعه ی پایدار" **مجله علوم اجتماعی**، شماره ۶۷، مهر ماه ۱۳۹۲
- محمدی، مهدی (۱۳۹۶) "طراحی نظام کاربردی توسعه و شتاب بخشی به نهضت سوادآموزی و آسیب شناسی نهضت سوادآموزی در استان فارس" سازمان نهضت سوادآموزی
- موسایی و احمدزاده، (۱۳۸۸) آموزش توسعه ای و توسعه پایدار، **مجله راهبردی**، شماره ۱۸، تابستان ۸۸
- Oxford English Dictionar. (2008)
- Goldstein, I (1993), **Training in organizations: needs assessment, development &. evaluation**, Monterey, ca: brooks-cole.
- Aijaz Ahmed Gujjar, Muhammad Rashid Hafeez (2002) "Lecturers, **Federal College of Education**", Islamabad, Pakistan
- UNESCO "Theme for International Literacy Day 2016"